

## تاج‌الدین حسن بن یونس بلغاری گیاه‌شناس، پزشک و طبیب قرن هفتم هجری

محمدحسین رفیعی

تنها اطلاعات موثق ما از تاج‌الدین بلغاری، برگرفته از یکی از تالیفات اوست. کتابی در شرح ادویه مفرده که آنرا در سال ۶۱۷ و در اطراف موصل به محمود بن عثمان بن احمد تفلیسی املاء کرده است و نسخه‌ای از آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. (رک: مرکزی، ۱۶/۷۴۹۴).

شهرت وی در منابع قلیل در دسترس ما، به شکل فوق درج شده است، لیکن از القابی چون «شرف الاسلام» و «عزیز الملوک و السلاطین» برای او در منابع استفاده شده است (ابن ابی اصیبعه، ۶۷۳؛ زرکلی، ۴/۲۷۹).

در پرتو اطلاعات بسیار اندک ما از شرح حال بلغاری، زرکلی با اعتنا به مجله معهد المخطوطات العربیه (۴/۳۶)، معتقد است که بلغاری پس از حضور در موصل و املا نمودن کتابش، به قونیه سفر کرده است و در آنجا نیز نسخه‌ای دیگر از همان کتاب را املاء نموده است. (زرکلی، همانجا) لوکلر اما و به تبع او دهخدا معتقدند که تاج‌الدین بلغاری و ابن بیطار (م ۶۴۶/۱۲۴۸) از دوستان و همراهان هم و از شاگردان ابوالعباس نباتی، گیاه‌شناس شهیر اندلسی بوده‌اند (لوکلر، ۲/۱۷۳؛ دهخدا، ذیل مدخل تاج‌الدین بلغاری). از سوی دیگر نیز ابن بیطار در «جامع المفردات» خود، از شخصی به نام تاج‌الدین بلغاری یاد کرده، و توانایی وی را در گیاه‌شناسی و پزشکی ستوده است. به گفته او شهرت تاج‌الدین با تهیه و ساخت پادزهری برای نیش کشنده افعیان که از ریشه‌های گیاه کلم تهیه می‌شد، در افواه عالمیان پیچید و سیل بیماران و دردمندان را روانه منطقه جزیره و شهرها - در شمال شهر رقه و حدفاصل حران و رأس العین - نمود. (ابن بیطار، ۱/۸۸)

با عنایت به اطلاعات فوق، دور از ذهن نخواهد بود اگر آشنایی ابن بیطار و تاج‌الدین بلغاری را صحیح و مطابق با واقع بدانیم. قدر مسلم این واقعه پس از نگارش کتاب فوق‌الذکر توسط بلغاری، رخ داده است،

چرا که در سال نگارش کتاب (۶۱۷ هجری) این بیطار سلسله سفرهای مشهور خویش را به اقصی نقاط سرزمینهای مسلمان غربی آغاز کرد و احتمالاً در جریان این سفرها، از این رخداد مطلع شده و شرحی از آنرا در کتاب خویش درج کرده است. (ابن ابی اصیبعه، ۳۷۵)

لیکن درباره روایت دوم که از لوکلر نقل شد، شکی نیست که ابوالعباس نباتی ملقب به ابن الرومیه از استادان ابن بیطار در اندلس بوده است (همان، ۳۵۵)، لیکن هیچ سند و مدرکی برای حضور بلغاری در کنار ابوالعباس نباتی در دست نیست. چرا که ابوالعباس نباتی در سال ۶۱۳ درگذشته است و با در نظر گرفتن این مطلب که وی هیچگاه از مصر و شام گامی به سوی شرق فراتر نهد، باید رد پای بلغاری را در سرزمینهای غربی ممالک اسلامی چون شمال آفریقا و اندلس بجوئیم، که صد البته هیچ سند و مدرکی در این باب در دست نیست (همانجا).

علی ای حال همانطور که آمد هیچ سند و مدرک موثقی غیر از عباراتی که در انتهای کتاب بلغاری ذکر شده است، در دست نیست.

ابن ابی اصیبعه و به تبع وی بسیاری از تراجم نویسندگان نیز از ردیه ای که بر این کتاب توسط گیاه شناسی به نام «رشید الدین صوری» (۱۲۴۱-۱۱۷۷/۶۳۹-۵۷۳) نوشته شده است، ذکری به میان آورده اند که متأسفانه هیچیک از تالیفات صوری بر جای نمانده است. (ابن ابی اصیبعه، ۷۰۳؛ صفدی، ۴/۴۵۷؛ بغدادی، ۱/۵۵۴؛ کحاله، ۴/۱۶۱).

## آثار:

آثاری که از تاج‌الدین بلغاری به دست ما رسیده است، از دو عنوان تجاوز نمی کند.

**۱. المختصر فی الادویة المفردة؛** این کتاب نوعی معجم دارویی و گیاهشناسی است که البته از نام اصلی آن اطلاع دقیقی در دست نیست و این نامگذاری برحسب محتویات کتاب انجام شده است (معهد المخطوطات، ۴/۳۶).

این کتاب که حاصل املاء تاج‌الدین بلغاری به محمود بن عثمان تفلیسی است، در سال ۶۱۷ در حوالی موصل به نگارش درآمده است. قدر مسلم این فرد جزو شاگردان بلغاری نبوده است؛ چرا که بلغاری در ابتدای نام وی از القابی چون «بدرالدین»، «جمال الاسلام»، «سید الاجل» و «اوحده العالم» استفاده می کند. (رک: مرکزی، خطی؛ ش ۷۴۹۴، برگ ۲۴۳).

این کتاب که به صورت دائرة المعارفی از اسماء ادویه، نباتات و هر چیز دیگری که در درمان بیماری ها به کار می آید تالیف شده است، در ۱۲۴۷ مدخل، مشتمل بر ۱۰۵۳ مدخل اصلی و ۱۹۴ مدخل فرعی و نیز ۲۴۴ صفحه نگاشته شده است. توضیحات مداخل این کتاب عموماً به چند سطر مختصر می شوند، لیکن مواردی نیز در آنها یافت می شود که توضیحات یک مدخل از چندین صفحه نیز فراتر می رود (رک: همان، صابون، ۱۱۲؛ مرداسنچ، ۲۱۱؛ لبن، ۱۸۵). از سوی دیگر مداخلی که توضیحاتشان به چند کلمه مختصر می شوند نیز کم نیستند.

نگارنده از یک الگوی کلی در نگارش مداخل بهره می برد؛ بدین صورت که در ابتدای مطلب و پس از عنوان کردن نام مدخل، محل رویش گیاه، اسامی دیگر گیاه و ترکیباتی که آن گیاه در آنها مصرف دارد، توضیحات احتمالی و تکمیلی خود را ارائه می دهد، لیکن مع الاسف بلغاری توجه چندانی به موارد مصرف آن ماده مبذول نداشته است و مطالبش در مورد داروها و گیاهان از این لحاظ کامل نیست.

تاج‌الدین بلغاری علی رغم اینکه تلاش می کند، تمام مطالب کتاب را حاصل دستاوردها و تحقیقات خویش نشان دهد و یا لا اقل از آوردن نام مأخذی که از آنها استفاده کرده است خودداری کند، در چندین موضع از کتب علمای سلفش چون جالینوس (همان، ۱۵۲، ۲۳۸، ۲۴۲)، بوعلی سینا (همان، ۱۴۹، ۹۲، ۶۳)، ابوبکر رازی (همان، ۷۲، ۱۸۲، ۱۶۶، ۱۳۸)، بولس (همان، ۷۶) و دیسوقریدوس (همان، ۱۶۵) نام برده بدانها ارجاع می دهد. علی الظاهر بلغاری به نسخه ای از کتاب قانون ابن سینا که به خط خود بوعلی نگاشته شده بود، دسترسی داشته است؛ چرا که در جایی پس از ارجاع به کتاب قانون از عبارت "مِنْ خَطِّ الشَّيْخِ ... " استفاده کرده است (همان، ۶۳). در این میان بلغاری تعداد زیادی از ارجاعات در عین حال محدودش را به شخصی به نام «اسحاق» اختصاص داده است، که شاید آن شخص «اسحاق بن ابراهیم بغدادی» (م ۹۰۵/۲۹۲) باشد.

در نگاهی کلی تر به مجموعه این کتاب، به نفوذ و حضور بسیار پررنگ زبان فارسی در میان کلمات عربی پی خواهیم برد؛ چراکه تعداد بسیاری از عناوین اصلی داروها و گیاهان یا پارسی هستند، (رک: همان، ۷۲ جفت آفرید؛ ۱۰۵، سوسن الابيض؛ یُسمی الزنبق؛ ۱۲۲، شاهسفرم؛ ۱۰۸، شاهبلوط) و یا ریشه های پارسی دارند و در پی استعمال عرب زبانان به شکل معرب و ثانویه ای تغییر شکل داده اند. جالب آنکه بلغاری به سیر این تغییرات آشنا بوده و در توضیحاتی روند تعریب این کلمات اصالتا پارسی را توضیح می دهد. (رک: همان، ۲۱۱ مرداسنج؛ و اصله مرده سنگ؛ ۵۸ اسفیوش؛ اصله اسب غول و هذا معرَب لِثِقَلَةِ فِی لِسَانِ الْعَرَبِ ...) احتمالا بلغاری این تسلط به زبان پارسی را مرهون حضوری طولانی مدت در میان پارسی زبانان بوده است، لیکن هیچ مدرکی برای این گمان در دست نیست.

متأسفانه بلغاری در تدوین عناوین معجم دارویی خویش، دقت لازم را مبذول نداشته است، چه در بسیاری از موارد او پس از توضیح دادن یک گونه گیاهی و ذکر نام دیگر آن، در جایی دیگر همان توضیحات را برای نام دیگر آن گیاه ارائه می دهد که این خود باعث تکرار بیهوده مطالب و تطویل کلام در کتاب او گشته است. برای مثال (رک: همان؛ ۴۵، اَنَب؛ هو الباذنجان؛ نیز، ۵۴، باذنجان؛ یُسمی الآنَب ...) همچنین در نسخه موجود تعداد قابل اعتنايي از مداخل نیز افتاده اند. (رک: همان، ۵۶، افتادگی میان مداخل حب النکحة و خلال؛ میان خندیقون و سکینج؛ و نیز از ورق الکرَم تا آخر نسخه که مشتمل بر قسمتی از مداخل حرف واو و تمام مداخل حرف یاء است).

در نهایت، باید به حواشی بسیار ارزشمندی که اکثر صفحات این کتاب را مزین کرده است، نیز اشاره ای کرد. نگارنده ناشناس این حواشی به احتمال زیاد همچون بلغاری تسلط کاملی به زبان پارسی داشته است. چراکه در چند مورد که انتقال مفهوم با زبان پارسی آسانتر از زبان عربی بوده است، سخن خویش را به

پارسی بیان کرده است. اطلاع و تسلط کامل او بر مناطقی در ایران که یک گیاه بخصوص، در آن بیشتر می‌روید و حتی مناطقی که گیاهی در آن امکان رویش و پرورش ندارد، ما را بر آن می‌دارد که او را ایرانی بدانیم (برای مثال رک: همان؛ حواشی ۱۴۶، ۱۵۱ محل رویش گیاه فول (باقلا) در مناطق مختلف ایران). ویژگی دیگر حاشیه نویسی این کتاب، امانتداری و صداقت وی در ارجاع به منابع و مآخذیست که در نوشتن حواشی خویش از آنها بهره برده است. التزام وی تا بدان حد است که مآخذ مطالبی که بلغاری از دیگران گرفته و مآخذی برای آنها ذکر نکرده است، را آورده است. احتمالا وی از شاگردان و ارادتمندان بلغاری بوده است؛ چرا که در جای جای حواشی خویش از عبارت قال "الصاحب البلغاری ...." برای ایراد نقل قولی از تاج‌الدین بلغاری استفاده کرده است و نیز از نوع نگارش این نقل قول ها می‌توان حضور او را در کنار بلغاری استنباط کرد (برای مثال رک: همان، حاشیه ۱۱۳).

**۲. رساله التریاق الکبیر:** این رساله کوتاه که نسخه ای از آن در کتابخانه ملک (فهرست نسخ خطی ملک، ۷/۴۳۱، ش ۳۶/۴۵۷۳) موجود است، شرح تهیه دارویی است در هفت مرحله که بلغاری آنرا تریاق الکبیر نامیده است. ظاهرا دستورات دیگری در باب تهیه این دارو توسط اطبای سلف او برجا بوده است. چراکه بلغاری به اختلافات دستور تهیه خویش با دیگران و البته بدون ذکر دقیق نام ایشان، اشاراتی می‌کند. بنا بر تصریح بلغاری تهیه کامل این دارو ۶ ماه به طول انجامیده است. این رساله همچون اثر دیگر بلغاری که در فوق ذکرش رفت، در سال ۶۱۷ بمحمود بن عثمان بن احمد تفلیسی در حوالی موصل املاء شده است. این دارو احتمالا نوعی پادزهر بوده است که با نوشیدن آن، که محتوی موادی چون زهر افعی بوده است، بسیاری از امراض و سموم را از اعضاء و جوارح بدن دفع می‌کرده و در حفظ صحت و سلامت عمومی بدن بسیار مفید بوده است.

### مآخذ:

ابن ابی اصیبعه، احمد، عیون الانباء فی طبقات الاطباء، به کوشش نزار رضا، بیروت، دارالمکتبه الحیات، ۱۳۸۵/۱۹۶۵؛ ابن بیطار، جامع المفردات الادویه و الاغذیه، بولاق ۱۲۹۱/۱۸۷۴؛ بغدادی، اسماعیل پاشا، ایضاح المکنون فی ذیل کشف الظنون، استانبول، ۱۹۴۷/۱۳۶۶؛ دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، چاپ سیروس، ۱۳۳۵/۱۹۵۶؛ زرکلی، خیرالدین، اعلام، بیروت، دارالعلم للملایین، ط الخامس ۱۹۸۰/۱۴۰۱؛ کحاله، عمررضا، معجم المؤلفین، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی؛ مجله معهد المخطوطات العربیه، جامعه الدول العربیه، مطبعه مساهمة المصریه، ۱۳۷۷/۱۹۵۸؛ صلاح الدین خلیل بن ایبک، الوافی بالوفیات، به کوشش احسان عباس، دار النشر فرانشتایز، بقیسیان، ۱۳۸۱/۱۹۶۹.